

ما و گفتمان دموکراسی

تقدیم به ر - اشرف

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

واقعیت موجود در جهان میسریم، بحث‌ها اغلب در چارچوب دموکراسی بورژوازی دور میزند و مطالبات هم به همین گونه! من معتقدم که دموکراسی بورژوازی زنده و حاضر است و لذا میتوانیم آن را به سنجش و قضاوت بگذاریم، اما که آنچه دموکراسی سوسیالیستی و به تعبیر لنینی آن دیکتاتوری دموکراتیک پرولتاریا می نامند موجود نیست و همه بر مبنای آرزوها و بیشتر از کانال تنوریک بررسی میشود و تجربه شوروی هم قوز بالا قوز میشود. آیا میشود دموکراسی که بویژه نیروی کار می خواهد را در چارچوبی دموکراتیک و در همین مرحله بشکافیم و در پی ایجاد فضایی برای رشد بنیادهای آن هم اکنون باشیم. چرا که شعارهای زیبا اما که مدت خواه دردی را دوا نکرده پس در پی درمان درد امروزی باشیم. که سوسیالیسم هم بدون دموکراسی غیر ممکن است و آن هم زمانی پیش میاید که جامعه ای طی دهه ها برای دموکراسی آمادگی لازم را کسب کرده باشد (به لحاظ فرهنگی، سیاسی و بنیاد اقتصادی جامعه).

میدانیم که سوسیالیسم قدمگاه زوال دولت است و پس به گونه ای محو طبقات اجتماعی ولی تا آن شرائط و فضایی که بشر مترقی آرزویش را دارد و برایش هزینه می کند باید شعار دموکراسی و جامعه ای دموکراتیک شعار ما باشد و برای نیل به آن پرچم دارش. ولی این میسر نمی شود اگر افساء نوکران سرمایه داخلی و خارجی را فراموش کنیم. که اعتصابات سراسری از شعبات کامیون داران به مغازه داران و از هفت تپه به کارخانجات سراسری میرسد ولی هر چه زودتر باید فکری برای ستاد رهبری همین اعتصابات، شاید هم در هیئت کمیته های اعتصاب و همبستگی ارتباطی آنها باشیم که ماشین تحولات را فرمانی و اراده ای و نقشه راهی می خواهد که در غیر اینصورت ماشین تحولات ما دوباره به جاده خاکی میزند.

در شرائط کنونی و امکان حضور تشکلات سراسری چون آموزگاران و دبیران و بازنشستگان، کارگری و زنان و... اولویت با مفصل بندی تشکلات موجود و امکان ارتباط و همکاری آنان

یک روند اعتلای انقلابی با سرعت جامعه را در برمی گیرد. نیروی کار و زحمت پیش قراول اعتراضات متشکل شده و تلاش می کند تا خود را در پناه مطالبات صنفی و معیشتی صفوف خود را گسترش داده و در پیوند با جنبش های دیگر قرار گیرد. میدانند که جز با تغییر بنیادی سیستم سیاسی حاکم بر کشور و ابتدا، سرنگونی نظام تروریستی نمی توانند حتی به حداقل های خود برسند و در این میان شعار و خواست دموکراسی در مرکز مطالبات و برنامه تشکلات مبارز قرار گرفته است. میدانیم که این گفتمان دموکراسی خواست و شعار دوره ای از حیات سیاسی جوامع بوده است و محصول مبارزه طبقاتی از طرفی و میزان تحقق آن بی تردید بستگی مستقیم به مرحله و سطح رشد نیروهای سیاسی و فرهنگ جامعه و موقعیت حیات اقتصادی جامعه در روند تطور آن دارد. هم اکنون این شعار (دموکراسی) از سوی برخی نیروهای وابسته و نوکران سرمایه بین الملل مصادره شده و گروه های سیاسی که از طریق لجاج مصنوعی (سیاسی) تولید شده اند خودنمایی می کنند. پرچم توزائی اگر از سوی برخی که دنبال امپراطوری پارس و نیست در جهان برافراشته میشود، دیگران طوطی وار دم از سکیولاریسم زده ولی راه به جایی نمی برند.

زحمتکشان اما که در پی بنیاد پایه های دموکراسی، دست روی آزادی و آزادی کار و اندیشه و استقلال فردی و مملکتی می گذارند. اگر جامعه در کل پویا و همواره در حال حرکت است، پس گفتمان و دموکراسی نیز با این تغییرات اعتلاء میابد و از شعاری پوپولیستی باید به پدیده ای و تلاش هائی پویا تبدیل شود. در مرز رویدادهای گذشته نمی تواند باقی ماند و در دموکراسی زمینه رشد کهنه و ایده و دولت و سلطه دنیای ماضی رفته رفته از بین میرود. نیروهائی که دموکراسی گویان بدون هیچگونه پایه اجتماعی در میهن و تنها بواسطه امکانات بنیادهای سرمایه صدائی در میاورند در خود می میرند و چرا که طالب حذف همگانی هستند که آنها را نمی پسندند!

حال چرا وقتی به دموکراسی به عنوان یک گفتمان و یک

از طرفی و ایجاد هر چه سریع تر تشکلات جوان تر است. هر چه فشار اجتماعی حرکت ما افزونی یابد امکان حضور افزایش میابد که باید بهوش باشیم شرائط فعلی نمی تواند ماندگار باشد و به هر رو رویارویی مردم علیه رژیم تروریستی به نفع یک طرف (بی تردید) ، مردم یا چینی بندزنان نظام سرمایه حل میشود! انبوهی از نوکران سرمایه در پوشش اغلب دموکرات و چپ نمای سابقاً مسکوئی و چینی و ماچینی هم اکنون دست در دست امکانات تبلیغی ارباب سرمایه من و توئی و بی بی سی گویان و همدست انحصارات به کار گنج کردن اذهان عمومی مشغولند. مسئولیت چپ اما که هنوز افزایش حضور در نبرد موجود و احیاناً امکان همدلی و تلاش در پرچم داری از دموکراسی که خواستی عمومی و سلاحی آخرین برای زمین زدن رژیم است. این سلاح اما که شمشیری دو لبه است که میتواند با هرگونه ندانم کاری به خود ضربه زند .

نیروهای سرمایه دموکراسی را در پرتو دنیای کهنه و انتخابات دوره ای می خواهند تا امکان چپاول مردم و ادامه وضع موجود میسر شود ولی سمت و سوی اعتصابات سراسری گویا تنها مرحله نخستین حرکت برای دموکراسی است و جوانه های تلاش برای آزادی کار. این تلاش ها زمانی اعتلا میابد که چپ در مسئولیت افشاء دستگاه تبلیغی نوکران سرمایه موفق باشد، مردم در تلاش معاش و اوضاع استثنائی و اعتلای انقلابی یک واقعیت . پرچم دموکراسی باید در دست نیروی پیشرو و مترقی و چپ جامعه باشد و لیاقت پرچم داری یک اصل بی تردید و چشم بستن به این مسئولیت جبران ناپذیر خواهد بود. مردم دانسته اند که رژیم در ضعف و در حال عقب نشینی است اگر چه خشونت می کند. مردم میدانند که اصلاحات اگر چه از بنیان توهم و دروغی بیش نبود ولی روزمره تجربه کسب کردند و اگر اعتصابات پراکنده بماند و سراسری نشود و به اهرمی برای زمین زدن رژیم تبدیل نشود و رویارویی قهرآمیز و سریع بکار رژیم پایان ندهد، این زمان هم سپری میشود و به تعامل رژیم و لطف ارباب سرمایه بین الملل رژیم بحرانی دیگر را سپری می کند. قطع شریان اصلی رژیم تروریستی (دستگاه سرکوب) اگر از طریق زمین گیر کردن سیاسی آن می گذرد ولی هرگونه اهمال در رویارویی سراسری و قهرآمیز مردمی علیه نظام حاکم، گوادالوپاها را وادار به مداخله و سر هم کردن ائتلافی برای ادامه وضع موجود با ظاهری متفاوت می کند.
